

## کشورهای عضو ناتو بار دیگر نتوانستند از جاذبه‌ی امریکای رو به زوال خود را آزاد کنند



ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو به تاریخ 29 جون در نشست وزرای دفاع ناتو در بروکسل گفت: کشورهای عضو ناتو چند هزار نیروی تازه نفس را به افغانستان می فرستند. وی اضافه نمود که وزرای دفاع ناتو دوباره تعهد کردند تا افغان ها را در تامین امنیت کشور شان کمک کنند و نگذارند که افغانستان دوباره به پناهگاه امن برای "تروریست های" بین المللی تبدیل شود. استولتنبرگ همچنین تاکید کرد که وظیفه اصلی ناتو آموزش و مشورت دهی به نیروهای امنیتی افغانستان بوده و ناتو دوباره به عملیات رزمی متوسل نخواهد شد.

سازمان ناتو در جریان طولانی ترین جنگ امریکا بعد از پایان ماموریت 13 ساله رزمی از اول جنوری سال 2015م ماموریت جدیدش را زیر نام حمایت قاطع آغاز کرد. که 2 سال پس از آن کشورهای عضو این پیمان یکبار دیگر به ارسال نیروهای چند هزار نفری برای آموزش، مشوره دهی و همکاری با افغانستان توافق کردند. این درحالی است که افغانستان در ماه های اخیر شاهد حملات خونین و مرگبار بوده که در اثر آن صدها غیر نظامی کشته و مجروح شدند. ناتو هم ظاهراً دلیل عمده حضور دوباره نیروهایش را در افغانستان برگشت "تروریسم" و افزایش ناامنی ها می خواند. موج انفجارهای هدفمند ماه های اخیر در افغانستان آنطوری که از پیچیده گی و گسترده گی آن نمایان می گردد از سوی شبکه های استخباراتی مربوط به امریکا راه اندازی گردیده و توسط این انفجارها این پیام را به اروپایی ها رسانده است که در صورت عقب کشیدن از جنگ در افغانستان، "تروریستان" قوت یافته و شما مجبور هستید تا با آنها در شهر های بزرگ اروپایی به نبرد بپردازید که هزینه آن سنگین تر است.

هرچند اکنون برای همه ثابت و هویدا گردیده است؛ که امریکای امروزی دیگر همان امریکای اواخر قرن بیست نیست. امریکا از داخل هم پوسیده و گندیده است و از بحران های متعدد داخلی رنج می برد، که نیاز به مرور زمان و مزم شدن هرچه بیشتر این بحران ها و ضربه مهلک از سوی قدرتی دیگر دارد، تا افکار عامه علناً احساس کند که آنقدری که نمایش داده می شود، امریکا قدرتمند نیست. اما بدبختانه در چنین شرایط مهلک امریکا، یک بار دیگر کشورهای عضو ناتو در مسیر امریکا حرکت خود را ادامه می دهند، که خود دلالت برین دارد، که تمام تطبیق کنندگان و حامین مبدا سرمایه داری با انحطاط و زوال تدریجی دست و پنجه نرم می کنند و در میان شان کشوری نیست که ضربه نهایی را بر فرق این یکه تاز بین المللی بزند.

از سوی دیگر، قرار است تا یک ماه دیگر دولت امریکا استراتژی نظامی اش را در قبال افغانستان ارایه نماید، استراتژی که به علت اختلافات شدید در نهاد های امنیتی و نظامی امریکا بارها اعلام آن به تعویق افتاده است. ولی امریکایی ها نتوانستند تا قبل از اعلام استراتژی شان تعهد اروپایی ها را در قبال جنگ افغانستان بگیرند و آنان را وادار به اعزام نیروهای بیشتر تازه نفس کنند. بدینوسیله تا اندازه ای بار شاقه جنگ را در افغانستان به شانه های آنها بیاندازد و خودشان متوجه اهداف درازمدت و استراتژیک در سطح منطقه، آسیای میانه و روسیه باشند.

هدف امریکا این است تا با تداوم جنگ در افغانستان کشورهای عضو ناتو را عملاً درگیر جنگی بی پایانی بسازد، تا فرصت تفکر برای آزادی از جاذبه‌ی امریکای رو به زوال را در عرصه بین المللی از آنان گرفته باشد و آجدای اروپای قوی و واحد را از آنان فراموش کند. طوریکه وزیر دفاع امریکا جیمز متیس با جرأت می گوید: "من برای جنگ زمان بندی نمی کنم. جنگ در اساسش یک پدیده ای غیر قابل پیشبینی است."

درحالیکه گروه های مقتدر طالبان به شمول دفتر سیاسی قطر آماده صلح مشروط با امریکا و دولت افغانستان اند، اما باز هم این خواست طالبان نادیده گرفته می شود و حتی در تبنانی به این سیاست امریکا، توسط گروه دیگری از طالبان به چالش کشیده می شود. در کنار این، امریکا همزمان با تهدید گروه طالبان، تهدید جدیدی را تحت نام داعش خراسان ایجاد کرده است. در صورتی که با طالبان صلح هم صورت گیرد، گروه دیگری در کمین نشسته تا امنیت را برهم بزند، حالانکه در روند گفتگوهای صلح اصلاً نامی از داعش ذکر نمی گردد.

ازین رو جنگ افغانستان جنگ علیه "تروریسم" نبوده، بلکه حضور امریکا و ناتو در افغانستان سبب تشدید ترور و وحشت، مسلمان کشی میان نیروهای دولتی و شورشیان در افغانستان و منطقه گردیده است و جنگ علیه "تروریسم" بهانه ایست که امریکا از طریق آن منافع ستراتیژیک و منطقه یی خود را تعقیب می کند.

سیف الله مستنیر  
رییس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایه افغانستان  
برای جریده "الرأیة"